

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فیدل کاسترو
برگردان از: حمید محوی
۳۱ دسمبر ۲۰۱۳

ماندلا در گذشت پس پنهان کردن حقیقت در مورد آپارتاید برای چیست؟



در آن روزهای نامطمئن اواخر قرن گذشته، امپراتوری شاید تصور کرده بود که مردم ما به قول خود وفادار نخواهند ماند، زیرا ما اعلام کرده بودیم که حتی اگر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سقوط کند، کوبا به مبارزاتش ادامه خواهد داد.

وقتی در اول ماه سپتمبر ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد، فاشیست های نازی لهستان را به اشغال خود درآوردند و سپس مثل آدرخش بر سر ملت قهرمان اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی فرود آمدند که برای حفظ شرافت انسانی شان ۲۷ میلیون نفر جانشان را از دست دادند. این کشتار خشونت بار طی جنگ جهانی دوم به بهای جان بیش از ۵۰ میلیون انسان تمام شد.

بی گمان، در طول تاریخ، جنگ تنها فعالیتی است که اجتناب از آن برای نوع بشر هرگز ممکن نبوده، در این مورد آشتاین می گوید نمی دانم در جنگ جهانی سوم چه نوع سلاح هائی به کار خواهند برد، ولی مطمئناً در جنگ جهانی چهارم ترجیح خواهند داد که با سنگ و چوب به جان هم بیفتند.

با امکانات دو ابر قدرت ایالات متحده و روسیه، این دو کشور بیش از ۲۰۰۰۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارند. جهان بشریت باید بداند که ۳ روز پس از گزینش جان اف کندی به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده، روز ۲۰ جنوری ۱۹۶۰، یک بمب افکن امریکائی ب ۵۲ که در حال پرواز برای انجام مأموریت عادی بود، دو بمب اتمی حمل می کرد که قدرت تخریب آن معادل ۲۶۰ برابر بمبی بود که در هیروشیما به کار برده بودند. سانحه ای موجب سقوط این بمب افکن می شود. در چنین وضعیتی، سامانه های امنیتی بسیار پیشرفته برای جلوگیری از انفجار بمب عمل می کند. نخستین بمب بی هیچ مشکلی به زمین سقوط می کند، در مورد بمب دوم، سه از چهار سامانه امنیتی عمل نمی کند، و چهارمی در وضعیت بسیار بحرانی به سختی عمل می کند، به شکلی که می توانیم بگوئیم که تنها بر حسب اتفاق بمب اتمی منفجر نمی شود.

هیچ رویدادی در حال حاضر و یا در گذشته، تا جایی که من به یاد می آورم یا شنیده ام، به اندازه درگذشت ماندلا افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار نداده است، و نه برای ثروتنش، بلکه به خاطر کیفیت انسانی او، احساسات و افکارش. در تمام طول تاریخ، تا همین یک قرن و نیم پیش و پیش از آن که ماشین ها و ربات ها، با کمترین هزینه انرژی، انجام وظایف عادی ما را به عهده بگیرند، هیچ یک از پدیده هایی که بشریت امروز با آن سروکار دارد و زندگی تک تک افراد را به شکل اجتناب ناپذیری تحت تأثیر قرار می دهد، وجود نداشت: مردان، زنان، کودکان و سالخوردگان، جوانان، دهقانان، کارگران، کارگرانی یدی و فکری. تمایل حاکم بر این است که در شهر ها سکنا گزینیم، درجایی که کار ایجاد می کنند، وسایل عبور و مرور وجود دارد، و شرایط مقدماتی زندگی ایجاب می کند که سرمایه گذاری های عظیمی صورت بگیرد، و این سرمایه گذاری ها علیه تولید مواد غذایی در اشکال ساده تر و اشکال زندگی خردمندانه تر عمل می کند.

سه قدرت بزرگ، تجهیزاتی روی کره ماه فرود آورده اند. روزی که نلسون ماندلا در پرچم میهنش پوشیده شد، و در خانه محقری که ۹۵ سال پیش در آن به دنیا آمده بود به خاک سپرده شد، یک دستگاه پیشرفته جمهوری خلق چین وارد فضای نورانی ماه شد. هم زمانی این دو رویداد را البته باید یک اتفاق ساده بدانیم.

میلیون ها دانشمند روی ماده و تشعشعات روی زمین و در فضا تحقیق می کنند، و به یمن تلاش های آنها بوده است که امروز ما از حضور تیتان آگاهی یافته ایم، و می دانیم که تیتان یکی از اقمار ساتورن است و ۴۰ بار بیشتر از ذخیره نفتی که ۱۲۵ سال پیش در کره زمین کشف شد، ذخیره نفتی دارد.

احساسات برادرانه عمیق بین مردم کوبا و کشور نلسون ماندلا از واقعه ای منشأ می گیرد که حتی یک اشاره مختصر نیز به آن نشده، و طی چندین سال حتی یک کلمه نیز درباره آن نگفتیم: ماندلا، صلح طلب بود و مجروح ساختن هیچ کس را بر نمی تابید. کوبا نیز هرگز هیچ کاری را برای تشریفات و کسب بهره انجام نداده است.

با پیروزی انقلاب کوبا، از همان سال های نخست ما در اتحاد با مستعمرات پرتقال در افریقا بودیم. جنبش های رهائی بخش در افریقا استعمارگران و امپریالیست ها را پس از جنگ جهانی دوم و آزادی جمهوری خلق چین - پر جمعیت ترین کشور جهان - و پس از پیروزی شکوفای انقلاب سوسیالیستی شوروی، با شکست روبه رو ساخته بودند.

انقلاب های اجتماعی بنیادهای نظم قدیم را به لرزه درآورده بود. و سال ۱۹۶۰ جمعیت جهان به ۳ میلیارد نفر رسید. در عین حال، قدرت شرکت های بزرگ فراملی گسترش یافت، که عملاً تمام آنها در دست ایالات متحده بود که پول آن به پشتیبانی انحصار طلا و صنایعی که به دلیل دور بودن از مناطق جنگی دست نخورده باقی مانده بود، به ارباب اقتصاد جهانی تبدیل شد. ریچارد نیکسون دالر را به طلا تبدیل کرد، و شرکت های امریکائی منابع اصلی و مواد اولیه تمام جهان را با پول کاغذی تصاحب کردند.

تا اینجا هیچ چیزی که ندانسته باشیم وجود ندارد.

ولی چرا می خواهند کتمان کنند که رژیم آپارتاید که این همه موجب درد و رنج افریقا بود و اکثر ملت های جهان را متأثر می ساخت، محصول اروپای استعمارگر بوده است، و به یمن ایالات متحده و اسرائیل به یک قدرت اتمی تبدیل شد، یعنی موردی که کوبا به عنوان پشتیبان ملت های استعمار زده ای که برای استقلالشان مبارزه می کردند، قویاً آن را محکوم کرد.

ملت ما که توسط اسپانیا به ایالات متحده واگذار شد پس از سی سال مبارزه قهرمانانه هرگز از رژیم برده داری که طی ۵۰۰ سال تحمیل شده بود، فرمانبرداری نکرد.

از نامیبی که توسط افریقای جنوبی اشغال شده بود، قطعات نژاد پرست به پشتیبانی تانک های سبک مجهز به توپ های ۹۰ میلیمتری حرکت کردند و تا عمق ۲۰۰۰ کیلومتر تا مرز لوآندا پیش رفتند، جایی که قطعه نیروهای ویژه کوبائی -

هوابرد - و به همین گونه گروه تانک های کوبائی ساخت شوروی که بدون خدمه در محل حضور داشتند، برای مهار کردن آنها کافی بود. این واقعه طی نوامبر ۱۹۷۵ روی داد، ۱۳ سال پیش از نبرد کوئیتو کوآناوال (۱).

پیش از این گفتیم که ما هیچ کاری را برای تشریفات و منافع خاصی انجام نمی دهیم. ولی این یک واقعیت است که ماندلا مردی اصیل بود، یک انقلابی عمیق و یک سوسیالیست رادیکال که با سر سختی عظیمی ۲۷ سال زندان انفرادی را تحمل کرد. من همیشه صداقت، فروتنی و شایستگی های او را تحسین کرده ام.

کوبا وظایف انترناسیونالیست خود را با جدیت پی گیری می کرد. کوبا از نقاط کلیدی دفاع می کرد و هر سال هزاران مبارز آنگولائی را آموزش نظامی می داد. اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نیز اسلحه می فرستاد. هزاران جوان آنگولائی با سلامت کامل دائماً در قطعات ارتش تازه تأسیس می پیوستند. نظریه دائمی بر این اساس بود که بریگادهای آنگولائی مجهز به بهترین سلاح ها به منطقه ای فرستاده ای شوند که می بایستی دولت قبیله ئی ساویمی، مزدوری که در خدمت ایالات متحده و افریقای جنوبی بود، را پیدا کنند. مثل گسیل نیرو به ستالینگراد بود، اسپانیای فالانژیست ۱۰۰۰۰۰ سرباز را برای جنگ علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی فرستاده بود، این عملیات شباهت زیادی به آن دوران داشت.

دشمن پشت نیروهای آنگولائی حرکت می کردند، بریگادهای آنگولائی تقریباً در فاصله ۱۵۰۰ کیلومتری لوآندا، هدفی که قرار بود به آن دست بیابد، مورد حمله قرار گرفتند. آنها از سوی نیروهای افریقای جنوبی به سوی کوئیتو کوآناوال، پایگاه قدیمی ناتو، در فاصله تقریباً صد کیلومتری نخستین بریگاد تانک های کوبائی، تحت تعقیب بودند.

در این مرحله حساس، رئیس جمهور آنگولائی از قطعات کوبائی درخواست کمک کرد. فرمانده نیروهای ما در جنوب، ژنرال لئوپولدو سینتار فریاس، این درخواست را به طالع ما رساند، کاری که همیشه رایج بود. پاسخ ما نیز قاطعانه بود، ما پشتیبانی خواهیم کرد ولی در صورتی که تمام نیروهای آنگولائی در جبهه جنوب آنگولا تحت فرماندهی کوبا عمل کنند. همه این خواست ما را درک می کردند که شرطی بود برای تبدیل کردن این پایگاه تاریخی به جبهه نبرد کمال مطلوب برای ضربه وارد آوردن به نیروهای نژاد پرست افریقای جنوبی.

پاسخ مثبت کمتر از ۲۴ ساعت دریافت شد.

گسیل فوری یک بریگاد تانک کوبائی تا نقطه اتصال پذیرفته شد. مانع اصلی گل و رطوبت زمین در فصل بارانی بود، زمینی که می بایستی متر به متر مین یابی کرد. از کوئیتو پرسونل برای هدایت تانک های بی تجهیزات، و به همین گونه توپ هائی که سوار نشده بود گسیل شد.

پایگاه از جانب شرق به دلیل آب و رودخانه خطرناک کوئیتو از منطقه جدا شده بود، و پل محکمی در آنجا سر پا بود. ارتش نژاد پرست با ناامیدی حمله می کرد، با یک هواپیمای هدایت از راه دور انباشته از مواد منفجره به آن حمله کرد و پس از این حمله آن پل دیگر قابل استفاده نبود. تانک های آنگولائی در پشت جبهه از روی پل دیگری در منطقه شمالی از روی رودخانه عبور کردند. تانک هائی که در وضعیت مناسبی نبودند، در زمین مدفون شدند و سلاح هایشان را به سوی شرق نشانه گرفتند. نواری فشرده از مین ضد نفر و ضد تانک آن سوی پل را به دامی مرگبار تبدیل کرد. وقتی نیروهای نژادپرست پیش روی هایشان را از سر گرفتند و با این حصار روبه رو شدند، از نقاط واقع در منطقه کوئیتو تمام توپخانه و تانک های بریگادهای انقلابی آتش گشودند.

نقش ویژه ای برای هواپیماهای شکاری میگ ۲۳ در نظر گرفته شده بود، با سرعت ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت و از ارتفاع ۱۰۰ متری می توانستند تشخیص دهند که توپخانه سیاه است یا سفید، و بی وقفه روی سفید ها شلیک می کردند. وقتی دشمن از پا افتاده و متوقف شد، راه عقب نشینی را برگزید، در اینجا نیروهای انقلابی خود را برای حمله نهائی آماده کردند.

چندین بریگاد آنگولائی و کوبائی با شتاب حرکت کردند و در فاصله مناسبی به سوی غرب، جایی که تنها راه های عریض واقع شده بود و جایی که افریقای جنوبی حملاتش را علیه آنگولا شروع کرده بود. فرودگاه در فاصله ۳۰۰ کیلومتری مرز نامیبی بود که کاملاً تحت تصرف ارتش آپارتاید به سر می برد.

وقتی که قطعات مجدداً بازسازی و تجهیز می شدند، تصمیم گرفتند که به فوریت یک باند برای فرود میگ های ۲۳ تدارک ببینند. خلبانهای ما از تجهیزات هوایی که اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی داده بود استفاده می کردند ولی وقت کافی برای یادگیری دستورالعمل ها را نداشتند. به همین علت چندین هواپیما بی استفاده تلقی شد و در برخی موارد توسط تیربارهای ضد هوایی خودمان مورد اصابت قرار گرفت.

افریقای جنوبی هنوز بخشی از جاده اصلی که از مرز آنگولا به نامیبی هدایت می شد را در تصرف خود داشت. در این مدت روی پلی که از رودخانه پر قدرت کانن بنا شده بود، بین جنوب آنگولا و شمال نامیبی، شلیک توپهای ۱۴۰ میلیمتری شروع شد که بردشان تقریباً ۴۰ کیلومتر است. مشکل اصلی بر اساس محاسبات ما در ۱۰ یا ۱۲ بمب اتمی بود که نژاد پرستان افریقای جنوبی در اختیار داشتند.

آنها در دریا و مناطق یخ زده جنوب دست به آزمایش زده بودند. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا رولاند ریگان این آزمایشان را مجاز دانسته بود و اسرائیل نیز تجهیزاتی را که برای منفجر ساختن شارژ اتمی ضرورت دارد فرستاده بود. پاسخ ما سازماندهی گروه های مبارز دست کم در واحدهای هزار نفره بود که مجهز به خودروی رزمی ضد هوایی بود و می بایستی شبانه در منطقه وسیعی در کنار خودروهای رزمی حرکت کنند.

سلاح های اتمی افریقای جنوبی، بر اساس گزارشات معتبر، نمی توانست از روی هواپیماهای میراژ پرتاب شود، و به بمب افکن های سنگین مانند کانبرا نیاز داشت. ولی به هر صورت، دفاع ضد هوایی نیروهای ما به چندین نوع راکت مجهز بودند که می توانستند اهداف هوایی را از فاصله ده ها کیلومتری مورد اصابت قرار دهند.

از سوی دیگر، سدی از ۸۰ میلیون متر مکعب آب واقع در مرز آنگولا توسط نیروهای کوبائی و آنگولائی اشغال و مین گذاری شده بود. انفجار این سد می توانست معادل چندین سلاح اتمی عمل کند.

با این وجود، یک مرکز هیدرولیک که از جریان پر شتاب روخانه کانن استفاده می کرد، پیش از مرز با نامیبی توسط یک گروه از ارتش افریقای جنوبی مورد استفاده قرار می گرفت.

وقتی در جبهه نژاد پرستان با توپهای ۱۴۰ میلیمتری شروع به بمباران کردند، میگ های ۲۳ علیه این گروه از سربازان سفید وارد عمل شدند، و آنهایی که زنده مانده بودند مواضع خودشان را ترک کردند و حتی آفیش های انتقادآمیزی علیه فرماندهانشان بر جا گذاشتند. وقتی نیروهای کوبائی و آنگولائی به سوی خطوط دشمنان پیش روی می کردند، اوضاع جنگ به همین شکل بود.

پی بردم که کاتیسکا بلانکو، نویسنده چندین کتاب تاریخی به اتفاق روزنامه گاران دیگر در محل بوده. وضعیت تنش آمیز بود ولی هیچکس آرامش خود را از دست نداد. در نتیجه خبر رسید که دشمن برای مذاکره آماده است. ما موفق شده بودیم که به ماجراجوئی امپریالیستها و نژاد پرستان در این قاره پایان دهیم، یعنی قاره ای که در ۳۰ سال آینده جمعیت آن به فراتر از مجموع جمعیت هند و چین خواهد رسید.

نقش نمایندگی کوبا به مناسبت درگذشت برادر و دوستان نلسون ماندلا فراموش نشدنی خواهد بود.

من به رفیق راتول به خاطر خدمات درخشانش تبریک می گویم و به خصوص برای قاطعیت و شرافت انسانی اش، که در حرکتی دوست داشتنی ولی قاطع، وقتی به رئیس جمهور ایالات متحده سلام می گفت، به انگلیسی به او گفت: «آقای رئیس جمهور، من کاسترو هستم».

وقتی وضعیت سلامتی من قابلیت های جسمی مرا محدود کرد، حتی یک لحظه تردید نکردم تا نظرم را درباره شخصی که فکر می کردم بتواند چنین مسؤلیتی را به عهده گیرد بیان کنم. یک زندگی در تاریخ خلق ها یک دقیقه است، و فکر می کنم که آن فردی که امروز چنین مسؤلیتی را به عهده می گیرد به کسب تجربه و اقتدار ضروری برای انتخاب در مقابل متغیر های تقریباً بی نهایت نیازمند است. امپریالیسم همیشه چند برگ برای به زانو درآوردن جزیره ما نگهداشته است، حتی اگر این جزیره را از باشندگان آن تهی سازد، با محروم ساختن مردان و زنان جوان، با دادن تکه نان از منابعی که از سر تا سر جهان به تراج می برد. چه اهمیتی دارد که سخنگویان امپراتوری حالا برای ما تعریف کنند که آپارتاید چگونه به دنیا آمد.



18 décembre 2013

.20h 35

توضیحات مترجم

(1) .La bataille de Cuito Cuanavale

نبرد کوئیتو کواناوال که به «استالینگراد آفریقا» شهرت دارد. تصویر زیر ارتش آفریقای جنوبی را نشان می دهد. تانک های سبک با توپهای ۹۰ میلیمتری.



گاهنامه هنر و مبارزه

۳۰ دسمبر ۲۰۱۳

تأملات فیدل

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۹ دسمبر ۲۰۱۳

منطقه: آفریقای سیاه

مضمون: تاریخ، جامعه و فرهنگ

<http://www.mondialisation.ca/mandela-est-mort-pourquoi-cacher-la-verite-sur-lapartheid/5362853>